

آسیب‌شناسی پردیس‌های خودگردان

دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

دکتر مریم سادات قریشی خوراسگانی

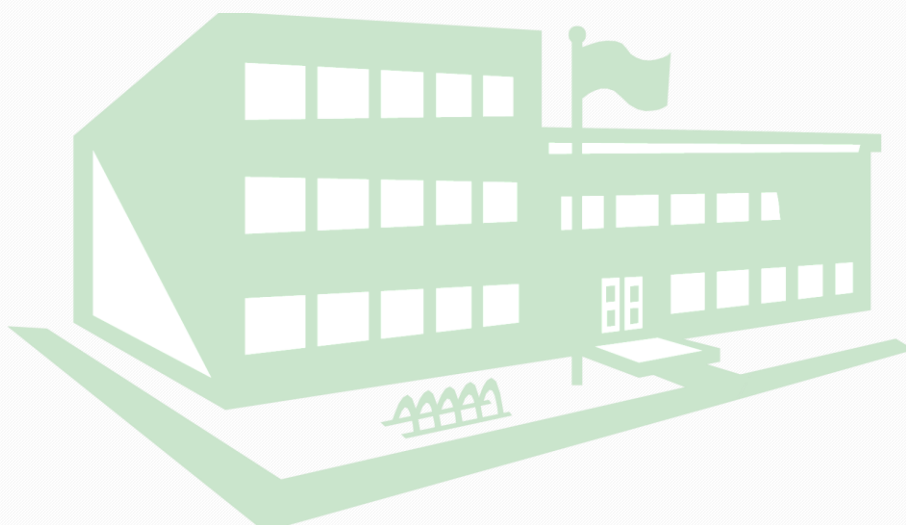
عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه الزهرا(س)

۲۰ تیرماه ۱۳۹۶

شماره سوم

تهیه و تنظیم: پدیده پری دری



پیرو دو سیاست تنوع بخشی به آموزش عالی و تامین منابع مالی دانشگاه های مادر، شاهد گسترش بی رویه خصوصی سازی در کشور بوده ایم، و انواع دانشگاه های پولی، مانند آزاد اسلامی، پردیس ها، غیرانتفاعی، مجازی، شبانه و .. را شاهد هستیم.

هرچند که دانشگاه های پولی، توانستند بار مالی دولت را کاهش دهند، و عطش جامعه به آموزش عالی را تا حدودی پاسخگو باشند، اما علی رغم برخی نکات مثبت، پیامدهای بسیار منفی نیز در پی داشته اند؛ از جمله افزایش فارغ التحصیلان بیکار، کاهش شدید کیفیت آموزش، شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی (روشن، ۱۳۸۷).

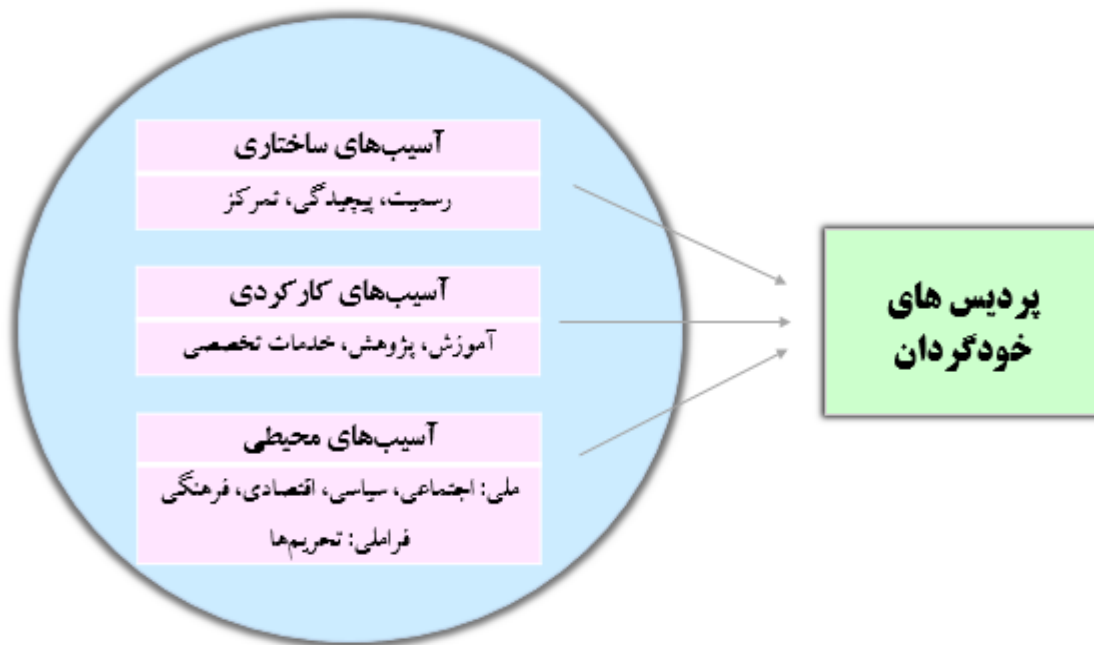
با وجود تمام پیامدهای منفی نامبرده شده، در سال ۱۳۹۰، شاهد ظهور پردیس های خودگردان بوده ایم، که با هدف تنوع بخشی به آموزش عالی یا جذب متقاضیان ورود به آموزش عالی و جذب دانشجویان خارجی، و پاسخگویی به نیازهای علمی-تخصصی کشور کلید خورد، تا آنجاکه به دانشگاه های مادر اجازه داده شد تا با اخذ مجوز از وزارتین علوم و بهداشت، به ایجاد پردیس اقدام نمایند.

طبق مصوبه شورای گسترش، پردیس ها به نام "پردیس های بین الملل" آغاز به کار کردند، اما با توجه به اینکه از ابتدا واژه اتونومی به معنی حق خودگردانی درست فهم نشد، از مسیر اصلی خود خارج شده اند، و به سمت کژکارکردی حرکت کردند.

از آنجا که این پردیس ها بعنوان یک نهاد دانشگاهی عهده دار رسالت مهم آموزش عالی هستند، لذا داشتن نگاهی آسیب شناسانه به این پردیس ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

چارچوب نظری پژوهش

هنگامیکه ساختار نظام یا سازمان آموزشی بویژه دانشگاه، غیرشفاف باشد، می تواند کارکرد اصلی آن را تحت الشعاع قرار دهد و آسیب زیادی به آن وارد کند. در بررسی دانشگاه ها، نمی توان از محیط غافل بود، چراکه دانشگاه با محیط خود در تعامل است. به همین خاطر، تلاش شد تا پردیس های خودگردان از سه بعد ساختار، کارکرد و محیط مورد بررسی قرار گیرند.



در حقیقت، ابعاد ساختار، کارکرد، و محیط، خود شامل ابعاد گسترده ای هستند. با توجه به نظرات صاحب نظران آموزش عالی و علم مدیریت، که در بعد ساختار بر روی سه بعد رسمیت، پیچیدگی، و تمرکز، در بعد کارکرد، بر آموزش و پژوهش و خدمات تخصصی، و در بعد محیط بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی اتفاق نظر دارند، این ابعاد مورد پژوهش قرار گرفت.

سوالات پژوهش

بر اساس مطالب مطرح شده، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که آسیب های پردیس های خودگردان کدام اند؟

- آسیب‌های ساختاری پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران کدام‌اند؟
- آسیب‌های کارکردی پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران کدام‌اند؟
- آسیب‌های محیطی پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران کدام‌اند؟

سوالات
فرعی

به دلیل اعتباربخشی بیشتر به نتایج پژوهش، از روش ترکیبی (Mixed Method) استفاده شده است. به لحاظ اینکه نتایج پژوهش می‌تواند به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مسئولان آموزش عالی و مورد استفاده مدیران پردیسه‌ها و به تصمیم‌گیری درباره ادامه حیات پردیس‌ها کمک می‌کند، به لحاظ هدف کاربردی، و چون در یک مقطع زمانی انجام گرفته، مقطعی است.

جامعه پژوهش در مرحله کیفی، صاحب‌نظران آموزش عالی و مدیران پردیس‌های خودگردان هستند، که به صورت غیر احتمالی و هدفمند نمونه‌گیری شده‌اند. غیر احتمالی یعنی براساس قوانین احتمالات نمونه انتخاب نمی‌شود و قضاوت انسانی دخیل است و هدفمند از این نظر که چهار معیار، ملاک انتخاب صاحب‌نظران بوده است؛ اینکه صاحب‌نظران دارای تألیف در زمینه خصوصی سازی باشند یا می‌توانستند موافق یا منتقد بحث خصوصی سازی آموزش عالی در کشور باشند و برجستگی و معروفیت علمی در این زمینه داشته باشند. بدین ترتیب ۱۱ صاحب‌نظر + ۱۰ مدیر پردیس (در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تنها ۱۰ پردیس وجود دارد، لذا جامعه و نمونه ما برابر بودند) و جمعاً ۲۱ مصاحبه انجام گرفت.

گردآوری اطلاعات براساس منابع نظری و پیشینه و مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند بود. براون و کلارک (۲۰۰۶) معتقد هستند که وقتی داده‌های متنی از نوع مصاحبه خیلی حجم بالایی داشته باشد، بهترین روش تحلیلی، تحلیل مضامین است. به همین دلیل ما در سه گام تجدید و توصیف، تشریح و تفسیر و یکپارچه سازی داده‌ها تحلیل انجام شد.

حاصل تحلیل (مضامین) مصاحبه‌ها در این پژوهش استخراج ۴۵۳ کد بود که ۱۷۷ به بخش ساختار و ۱۷۹ کد به آسیب‌های محیطی و ۹۷ کد مربوط به آسیب‌های کارکردی پردیس‌های خودگردان بود. سنجش روایی و پایایی داده‌های کیفی با استفاده از نظرات استادان محترم راهنما و مشاور و ۵ متخصص از رشته علوم تربیتی و آموزش عالی صورت پذیرفت.

ضریب پایایی پژوهش با استفاده از روش هولستی انجام شد. به صورت تعیین میزان توافقات در متون مصاحبه، و کدگذاری‌های متون مصاحبه را به طور نمونه از بین ۲۱ نمونه ۳ مصاحبه انجام شد. در فاصله ۳۰ روز مجدداً کدگذاری انجام شد و بین این دو کدگذاری M میزان توافقات را نشان می‌دهد و N یعنی کدگذاری مراحل اول و دوم براساس فرمول هولستی ۹۰ درصد بدست آمد که می‌توانیم بگوییم اعتبار داده‌های مرحله کیفی ما بسیار زیاد است. بدین ترتیب یافته‌های بخش کیفی استخراج شدند.

جامعه آماری مرحله کمی اعضای هیئت علمی و دانشجویان پردیسهها هستند. به دلیل تفاوت در ماهیت پردیسهها برای داشتن تناسب در نمونه در این بخش از طبقه بندی سهمیه ای استفاده شد و به این ترتیب حدود ۲۹۱ نفر عضو هیئت علمی و ۳۶۸ نفر دانشجو براساس جدول مورگان و کرجسی به عنوان نمونه ها انتخاب شدند.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر، در زمان اجرای آن، طرحی نو و جدید بود و پژوهشی در این زمینه انجام نشده بود، لذا پرسش نامه استاندارد برای سنجش آسیب های پردیس وجود نداشت. پرسش نامه بر اساس مقوله های استخراجی اثر بخش کیفی پیشینه و مبانی نظری تدوین شد و تحلیل داده های کمی براساس نرم افزار آماری SPSS و و متناسب با هدف های پژوهش از آزمونهای آماری بهره گرفته شد.

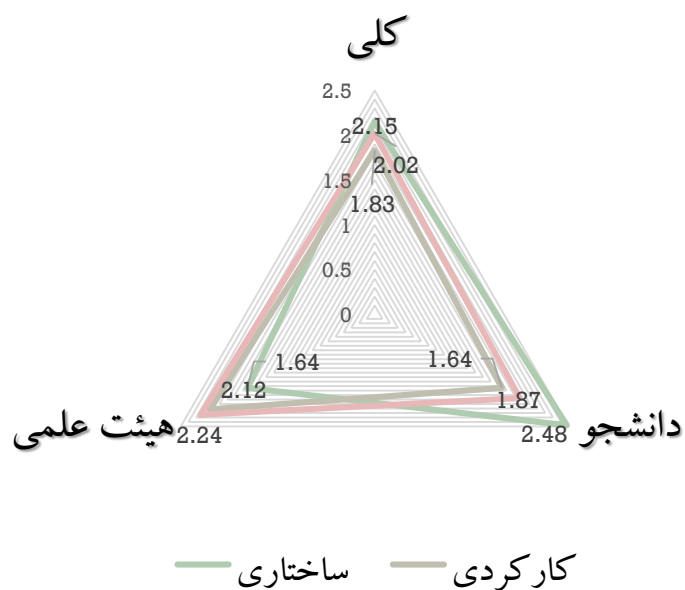
روایی صوری و محتوایی پژوهش از نظر ۵ نفر از استادان متخصص در رشته علوم تربیتی و آموزش عالی سنجیده شد. روایی سازه پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی سنجیده شد. در مرحله اجرای آزمایشی پرسشنامه که ۳۰ پرسشنامه در بین پردیسهها توزیع شد، ضریب پایایی ما براساس آلفای کرونباخ ۸۹ درصد و کل پرسشنامه ۸۵ درصد بدست آمد که ضریب پایایی قابل توجهی است.

جهت سنجش روایی سازه به استناد دکتر هومن و مردیت گال معیار $0/3$ برای شناسایی آسیب های پردیسهها انتخاب شد و بار عاملی همه گویه های بالای $0/3$ ، شاخص KMO بالای $0/6$ بدست آمد. بجز یک گویه خدمات تخصصی و گویه فراملی که یک سؤال به آن اختصاص داشت و به استناد دکتر علیرضا کیامنش در این حالت بهتر است که با نزدیک ترین آیتم ادغام صورت بگیرد، بر این اساس خدمات در پژوهش و فراملی در عوامل سیاسی ادغام شد. جهت بازنگری مجدد از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که نشان دهنده این است که مدل پژوهش با داده ها برازش بسیار مطلوبی داشته است.

سوال اصلی: آسیب های پردیس های خودگردان کدام اند؟

متغیر	گروه	میانگین حسابی	مقدار t	سطح معناداری	رتبه بندی
آسیب های ساختاری	حالت کلی	۳/۶۶	۲۸/۸۲	۰/۰۰۰	۲/۱۵
	دانشجو	۳/۶۹	۱۹/۹۱	۰/۰۰۰	۲/۴۸
	هیئت علمی	۳/۶۱	۲۶/۰۱	۰/۰۰۰	۱/۶۴
آسیب های کارکردی	حالت کلی	۳/۳۵	۱۱/۱۵	۰/۰۰۰	۱/۸۳
	دانشجو	۳/۰۹	۲/۱۴	۰/۰۳۳	۱/۶۴
	هیئت علمی	۳/۷۴	۲۸/۷۶	۰/۰۰۰	۲/۱۲
آسیب های محیطی	حالت کلی	۳/۴۸	۱۹/۷۱	۰/۰۰۰	۲/۰۲
	دانشجو	۳/۲۸	۸/۱۶	۰/۰۰۰	۱/۸۷
	هیئت علمی	۳/۷۸	۳۷/۹۲	۰/۰۰۰	۲/۲۴

اولویت بندی آسیب ها از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی پردیس ها



سوال فرعی: آسیب های ساختاری پردیس های خودگردان کدام اند؟

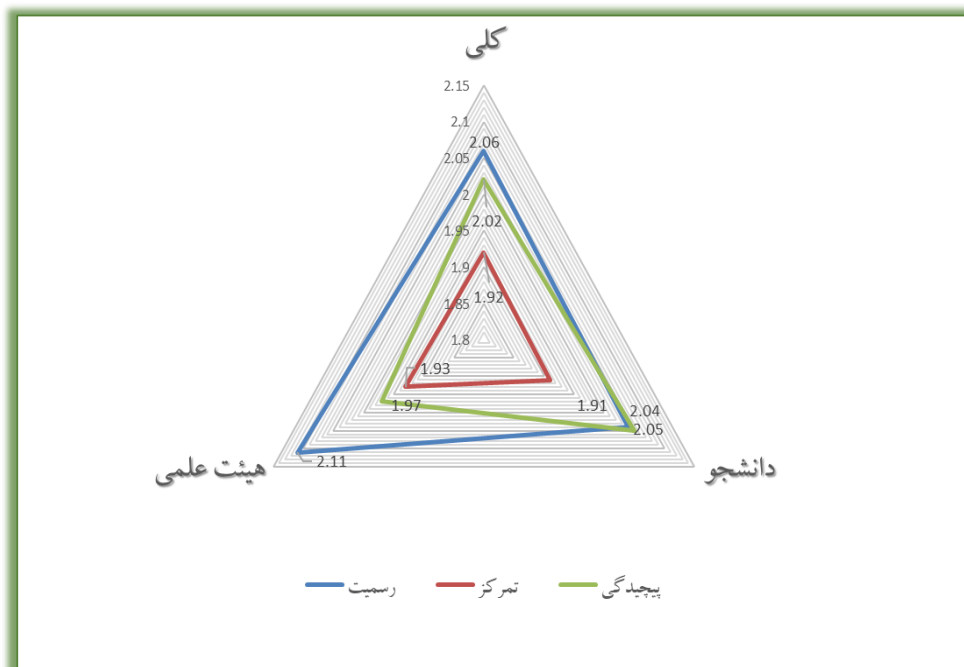
متغیر	گروه	میانگین حسابی	مقدار t	سطح معناداری	رتبه بندی
کلی	رسمیت	۳/۷۲	۱۹/۳۶	۰/۰۰۰	۲/۰۶
	تمرکز	۳/۶	۲۰/۲۹	۰/۰۰۰	۲/۰۴
	پیچیدگی	۳/۶۷	۲۴/۲۶	۰/۰۰۰	۲/۱۱
دانشجو	رسمیت	۳/۶۹	۱۳/۷۹	۰/۰۰۰	۱/۹۲
	تمرکز	۳/۶۴	۱۴/۹۶	۰/۰۰۰	۱/۹۱
	پیچیدگی	۳/۷۳	۱۷/۸۸	۰/۰۰۰	۱/۹۳
هیئت عملی	رسمیت	۳/۷۶	۱۳/۹۵	۰/۰۰۰	۲/۰۲
	تمرکز	۳/۵۵	۱۴/۶۲	۰/۰۰۰	۲/۰۵
	پیچیدگی	۳/۵۹	۱۸/۴۹	۰/۰۰۰	۱/۹۷

آسیب های ساختاری در بخش تمرکز؛ صاحبانظران آموزش عالی و مدیران پردیس های خودگردان، اذعان داشتند که پردیس ها فاقد استقلال و اختیار عمل هستند و همه امور پردیس ها از دانشگاه مادر و از بالا به آنها تفویض می شود و فقط یک پردیس بود که از لحاظ بعد مالی اختیار داشت که آن هم از ماه مهر گذشته همان اختیار هم سلب شده حتی در زمینه جذب نیرو چه کارمند و چه هیئت علمی و پذیرش دانشجو هیچ اختیار عملی از خود ندارند. به گفته مدیران پردیس حتی به آنها اجبار می شود که همان تعداد دانشجو که در روزانه دانشگاه مادر پذیرفته شده را در پردیس هم بپذیرند و آن را آسیب جدی تلقی می کردند. در بعد مالی هم هیچ گونه استقلالی ندارند هرچند که پردیس های ما پول تزریق می کنند به دانشگاه مادر و پول به خزانه دانشگاه مادر وارد می شود ولی برای کوچکترین کاری که بخواهند انجام دهند باید نامه نگاری شود، و پروسه اداری طی شود.

در بعد رسمیت مدیران و صاحبانظران اعتقاد داشتند که قوانین و مقررات جاری و ابلاغی به پردیس ها خیلی دقیق اجرا نمی شود و بعضاً نادیده گرفته می شود؛ مانند بحث پیش نیاز و هم نیاز که بحث بسیار مهمی در تحصیل دانشجویان است و قوانین و مقررات، اساس نامه پردیس ها هم به کل نادیده گرفته می شود. چنانچه تمام کلاس ها و تمام فرایند در دانشگاه مادر انجام می گیرد. فقط چند کلاس آموزشی صرف در پردیس ها برگزار می شود. آنها اظهار داشتند اگر هم به ما قوانین و مقرراتی ابلاغ شود که به صورت دستورالعمل داخلی برای پردیس ها در بیاوریم، خود ما ضعف داریم و حتی نمی توانیم خوب از عهده آن بر بیاییم و فکر می کنیم بزرگترین آسیب در بخش رسمیت به لحاظ اهمیت، نداشتن برنامه راهبردی مدون بود که پردیس ها فاقد چشم انداز بودند و در سردرگمی به سر می برند. پردیس ها فاقد زیر ساخت ها و استانداردهای لازم آموزشی پژوهشی هستند و در چنین محیطی اقدام به پذیرش دانشجو می کنند.

در بعد پیچیدگی اذعان داشتند که پردیس های ما هرچند یک رویکرد بازایابی و کسب سود و درآمد بر آن حاکم هست، ولی پردیس ها فاقد این مدیریت بازاریابی هستند و مانند دانشگاه مادر به صورت سنتی اداره می شود و همه آنها اذعان داشتند که آنقدر کارها در دانشگاهها وابسته است به دانشگاه مادر که ما برای کوچکترین درخواست نامه نگاری می کنیم و در روند کاغذبازی گیر می کنیم، که حتی نامه ها در پروسه اداری مفقود و یا به دست فراموشی سپرده می شود. علی رغم اینکه اینها یک شواری مرکزی پردیس دارند و دارای رئیس و اعضای پردیس هستند ولی هیچ گونه وحدت رویه در پردیسها مشاهده نمی شود و هر پردیس متفاوت از همدیگر عمل می کنند. هر مدیری به شیوه خود پردیس را اداره می کند که این تفاوت در خدمت رسانی باعث آزردهی دانشجویان شده است و این یک آسیب تلقی می شود. هرچند در اساس نامه پردیس تفکیک پردیس جزء قانون است و باید از دانشگاه مادر فاصله داشته باشد فاصله جغرافیایی پردیس از دانشگاه مادر درحالی که پردیس های ما فاقد زیر ساخت ها و استانداردها و امکانات و تجهیزات کافی هستند خود به یک آسیب بزرگ تبدیل شده است. ما حتی نمی توانیم از تجهیزات دانشگاه مادر بهره ببریم و وجود این فاصله مورد نارضایتی مدیران بود.

اولویت بندی آسیب های ساختاری از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی پردیس ها



آسیب های ساختاری پردیس های خودگردان



سوال فرعی: آسیب های کارکردی پردیس های خودگردان کدام اند؟

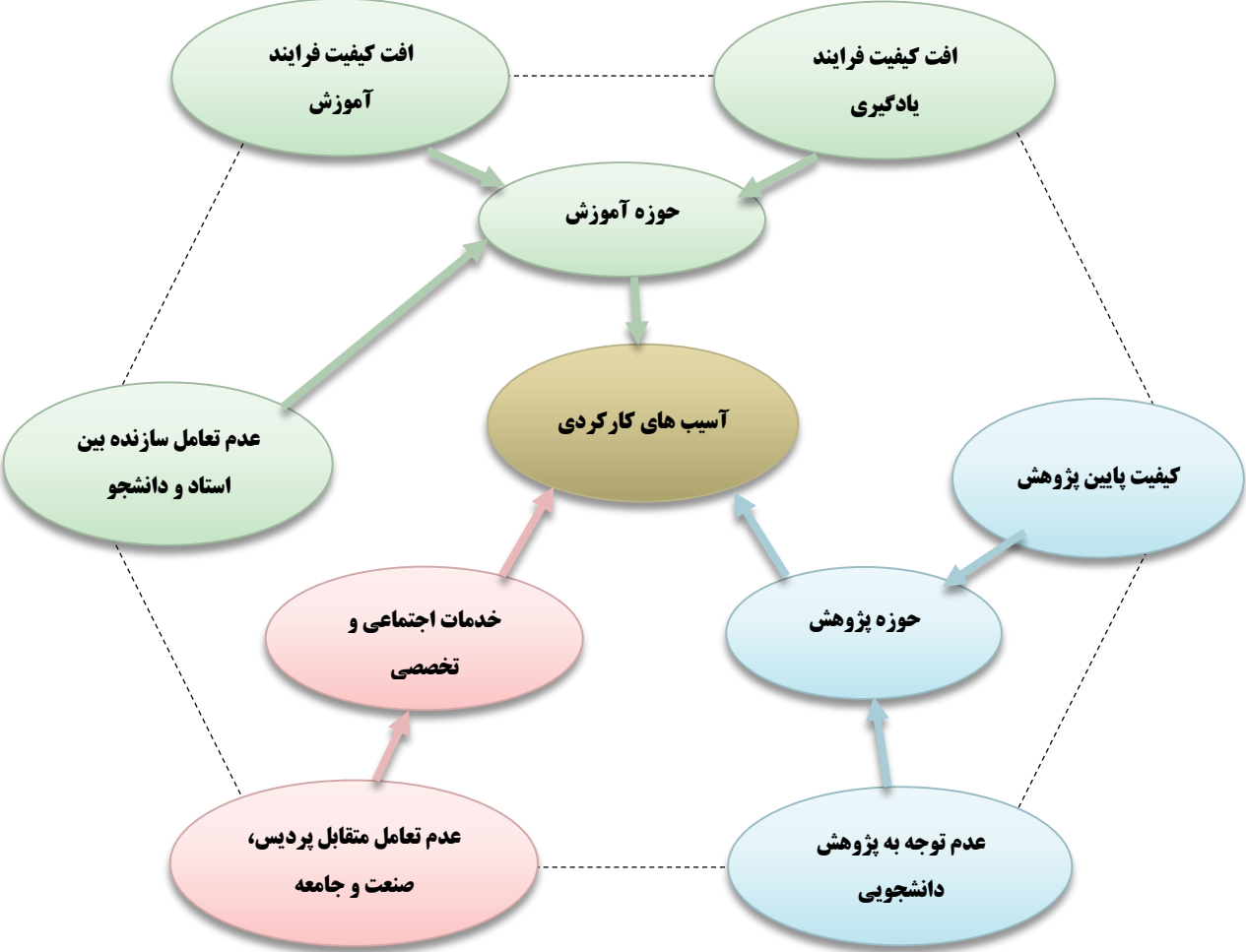
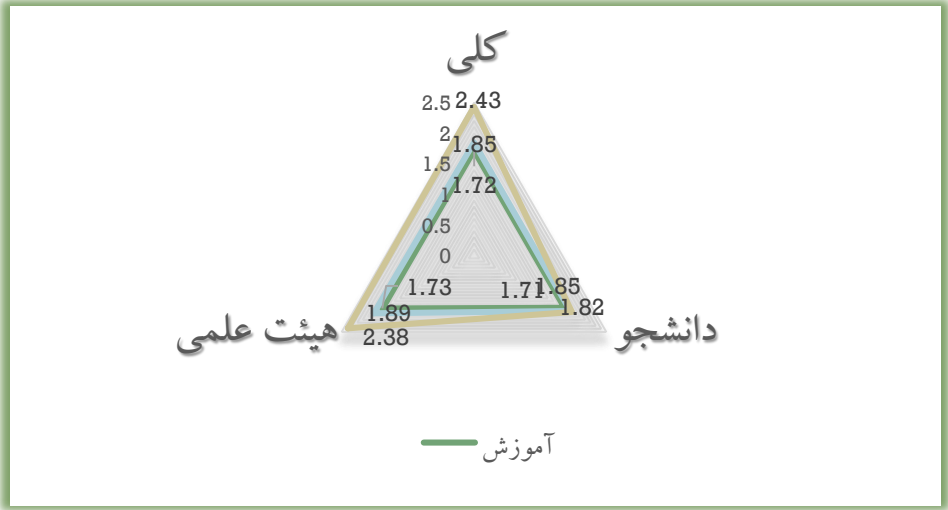
رتبه بندی	سطح معناداری	مقدار t	میانگین حسابی	گروه	منبع
۱/۷۲	۰/۰۰۰	۶/۴۲	۳/۲۲	آموزش	رکاب
۱/۷۱	۰/۰۰۰	۷/۲۲	۳/۳۴	پژوهش	
۱/۷۳	۰/۰۰۰	۲۰/۱۶	۳/۹۱	خدمات تخصصی	
۱/۸۵	۰/۵۸	-۰/۵۵	۲/۹۷	آموزش	دانشجو
۱/۸۲	۰/۴۷	۰/۷۱	۳/۰۴	پژوهش	
۱/۸۹	۰/۰۰۰	۱۰/۹۵	۳/۷	خدمات تخصصی	
۲/۴۳	۰/۰۰۰	۱۶/۹۴	۳/۶	آموزش	هیئت علمی
۲/۴۷	۰/۰۰۰	۱۲/۳۶	۳/۸	پژوهش	
۲/۳۸	۰/۰۰۰	۲۳/۱۹	۴/۲۱	خدمات تخصصی	

دانشجویان این مراکز به دلیل ماهیت متفاوت این دانشگاه با دانشگاه مادر، میانگین سنی بالا، شاغل و متأهل هستند و مانند یک دانشجوی ترددی عمل می کنند (بیابند سرکلاس و زود کلاس را ترک بکنند) به همین دلیل همه این فاکتورها در فرایند یادگیری آنها تأثیر می گذارد و باعث شده افت کیفیت یادگیری را دانشجویان را به عنوان یک آسیب بشناسند.

همچنین از آنجاکه پردیس ها استاد و هیئت علمی خاص خود را ندارد و از اساتید دانشگاه مادر استفاده می کند که تمام انرژی و وقت را در دانشگاه مادر صرف می کنند و ساعات مزاد همراه با خستگی را به پردیس می برند، طبیعی است که فرایند آموزشی از کیفیت بالایی برخوردار نباشد.

آسیب سوم عدم تعامل سازنده بین استاد و دانشجو است. نبود امکانات منجر می شود استاد در پردیس توقعی نداشته باشد که دانشجو به او مراجعه و مراده کند و در تعامل باشد و طبق قوانین، دانشجویان پردیس نباید برای ارتباط با استادان به دانشگاه مادر مراجعه کنند و همین باعث عدم وجود تعامل بین استاد و دانشجو شده است.

اولویت‌بندی آسیب‌های کارکردی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی پردیس‌ها



آسیب‌های کارکردی پردیس‌های خودگردان

سوال فرعی: آسیب های محیطی پردیس های خودگردان کدام اند؟

شماره	گروه	میانگین حسابی	مقدار t	سطح معناداری	رتبه بندی
رعا	اجتماعی	۳/۲۷	۷/۸۶	۰/۰۰۰	۲/۵۴
	فرهنگی	۳/۳۱	۸/۶۱	۰/۰۰۰	۲/۵۴
	اقتصادی	۳/۹۸	۳۳/۴	۰/۰۰۰	۳/۷۹
	سیاسی	۳/۵۸	۱۸/۱۸	۰/۰۰۰	۳/۰۵
	فراملی	۳/۵۲	۱۰/۷۱	۰/۰۰۰	۳/۰۸
دانشجو	اجتماعی	۲/۹۶	-۰/۷۱	۰/۴۷	۲/۳۲
	فرهنگی	۳	۰/۱۷	۰/۸۶	۲/۳۲
	اقتصادی	۳/۹۹	۲۲/۶۹	۰/۰۰۰	۴/۰۹
	سیاسی	۳/۵	۱۰/۶۶	۰/۰۰۰	۳/۱۱
	فراملی	۳/۴۲	۶/۸۳	۰/۰۰۰	۳/۱۶
مبت علمي	اجتماعی	۳/۷۲	۲۲/۳۹	۰/۰۰۰	۲/۸۸
	فرهنگی	۳/۷۸	۱۹/۸۳	۰/۰۰۰	۲/۸۶
	اقتصادی	۳/۹۸	۲۸/۵۴	۰/۰۰۰	۳/۳۵
	سیاسی	۳/۷۱	۱۸/۸۹	۰/۰۰۰	۲/۹۴
	فراملی	۳/۶۶	۸/۶۱	۰/۰۰۰	۲/۹۷

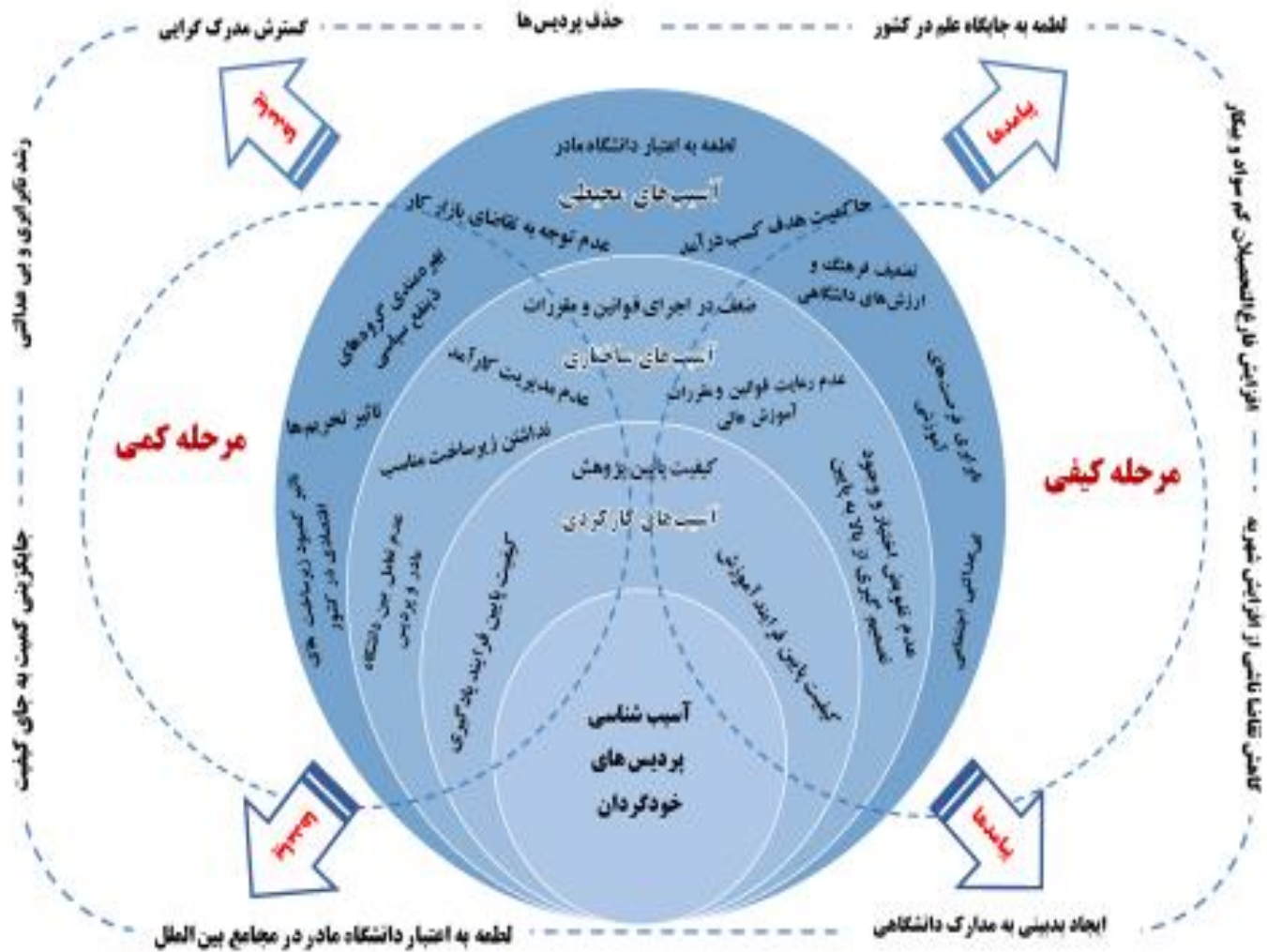
پردیس ها به این می اندیشند که رشته هایی ایجاد کنند که در آمد خوبی داشته باشد، تا برای بازار کار مفید باشد. یکی دیگر از آسیب ها این است که پردیس ها به ایجاد نابرابری فرصتهای آموزشی کمک کردند تا ایجاد عدالت آموزشی. همچنین ویژگی های فردی (سن- تاهل و شغل) را دانشجویان به عنوان آسیب ذکر کردند که نمی واند وقت زیادی هزینه کنند.

به لحاظ فرهنگی نیز فرهنگ، ارزش های دانشگاهی، و حاکمیت روح معنوی فرهنگی و علمی که از یک دانشگاه توقع می رود، در پردیس ها دیده نمی شود و یا این ارزشها تضعیف شده است. از مدیران گرفته تا اساتید و دانشجویان حتی جامعه، ارزشگذاری پایینی نسبت به پردیسها دارند و نگاه منفی نسبت به دانشجوی پردیس وجود دارد. صد درصد نمونه ما در بخش کیفی بیان کردند که پردیس خودگردان بدون شک به اعتبار دانشگاه مادر لطمه وارد کرده است.

آسیب های محیطی پردیس های خودگردان



سه سوسازی یافته های پژوهش



بر اساس آنچه در خصوص آسیب‌های پردیس‌های خودگردان گفته شد، با چند سناریو روبرو خواهیم بود؛

سناریوی اول: در حالی اتفاق می‌افتد که پس از آسیب‌های پردیس‌های خودگردان، به حذف و تعطیلی پردیس‌ها بینجامد. لیکن باوجود تحمیل هزینه منابع مادی و انسانی بر آموزش عالی کشور، حذف کامل فرایند پذیرش دانشجو به‌صورت پردیس‌های خودگردان مستلزم پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا حذف صورت‌مسئله بدون یافتن راه‌حل و راهکارهایی جهت رفع آسیب‌ها در مواجهه با سیاست‌گذاری‌های غلط (نمونه پردیس‌ها) به‌عنوان راهکار اول عقلانی و قابل توجیه است؟ به نظر می‌رسد قبل از اینکه بار دیگر تصمیم‌گیری شتابزده در ایجاد پردیس‌ها را برای حذف کامل آن‌ها تکرار کنیم، با استناد به یافته‌های پژوهش حاضر، بر اساس اولویت‌بندی آسیب‌ها؛ با تشکیل کارگروه‌های تخصصی و دستورالعمل‌هایی در راستای رفع آسیب‌ها به بهبود وضعیت فعلی پردیس‌ها همت گماریم. در غیر این صورت حذف و تعطیلی پردیس‌ها باوجود تعداد نزدیک به ده هزار دانشجوی در حال تحصیل در آن، منجر به تصمیم‌گیری جدید و رقم خوردن سناریوی دیگری برای انتقال آن‌ها به دانشگاه مادر خواهد شد.

سناریوی دوم: به‌طوری‌که تصمیم‌گیری مراجع ذی‌ربط در خصوص بازنگری ساختاری و کارکردی پردیس‌ها منجر به واگذاری و انتقال فرایند پذیرش دانشجوی پولی (به شکل پردیس) نیز مانند پذیرش دانشجوی شبانه به دانشگاه مادر شود. قبل از برنامه‌ریزی و هرگونه سیاست‌گذاری در این راستا، ضرورت تفکر و تأمل در پاسخگویی به این سؤال‌ها احساس می‌شود. آیا توان آموزشی - پژوهشی دانشگاه‌های مادر پاسخگوی این مسئله است؟ آیا این واگذاری، منجر به حذف پیامدهای ناشی از آسیب‌ها در دانشگاه خواهد شد؟ پارادوکس پذیرش دانشجوی پولی (با شهریه پردیس) و دانشجوی شبانه و روزانه و میزان خدمات‌دهی به آن‌ها چگونه خواهد بود؟ و بالاخره اینکه آیا تعطیلی پردیس‌ها و انتقال فرایند پذیرش دانشجوی پولی پردیس در دانشگاه مادر منجر به حذف آسیب‌ها خواهد شد یا انتقال آسیب‌ها به دانشگاه مادر؟ یا به‌مراتب بدتر از وضعیت فعلی پردیس‌ها خواهد شد؟ یافتن پاسخی کارشناسانه و علمی برای این سؤال‌ها، قبل از هر اقدامی می‌تواند برنامه‌ریزی صحیحی با حداقل پیامدهای منفی برای دانشگاه‌های مادر را در پی داشته باشد.

سناریوی سوم: چنانچه باهدف رفع و کاهش آسیب‌های شناسایی شده، به پردیس‌ها استقلال داده شود؛ با توجه به اینکه پردیس‌ها فاقد استاندارد و زیرساخت‌های اولیه هستند؛ استقلال اداری، مالی و علمی آن‌ها فاجعه‌بار خواهد بود؛ بنابراین اعطای استقلال به پردیس‌ها مستلزم آن است، ابتدا باید زیرساخت‌ها و استانداردهای لازم جهت ارتقای کیفی پردیس‌ها فراهم شود. سپس هنگامی که بلوغ لازم حاصل شد استقلال و تفویض اختیار به آن‌ها صورت گیرد؛ زیرا اعطای استقلال به پردیس‌ها در وضعیت موجود، یعنی بدتر کردن شرایط. همچنین اعطای استقلال به پردیس‌های فاقد چشم‌انداز و برنامه راهبردی، پیامدی به مراتب بدتر یعنی هرج و مرج سازمانی خواهد انجامید. چراکه به اعتقاد منتظر و فلاحتی (۱۳۹۴) «باید سناریوای از آینده آموزش عالی داشته باشیم تا موارد غیرقابل پیش‌بینی، مسیرهای تحول و آنچه را باید بدانیم و آنچه نباید بدانیم، مشخص شوند تا از یک‌سو امکان برنامه‌ریزی هماهنگ برای پیشبرد اهداف و از سوی دیگر، تأثیر سایر عوامل را از دیده دور نداشت»؛ بنابراین می‌توان گفت چشم‌انداز و مأموریت، آئین‌نامه، دستورالعمل‌ها و به‌طور کلی قوانین و مقررات سازمانی، به‌عنوان مسیری برای هدایت افراد و سازمان در انجام وظایف محوله محسوب می‌شوند و فقدان آن در هر سازمانی علامت سؤال است برای چگونگی استقلال در برنامه‌ریزی راهبردی آن سازمان؟ لذا پردیس‌ها نیازمند چشم‌انداز برای انجام کارکردهای خود و آگاهی از میزان تحقق آن هستند. عدم وجود برنامه راهبردی مدون، امکان دستیابی به میزان عملکرد مورد انتظار پردیس‌ها را غیرممکن می‌کند. در نتیجه عدم شناسایی ضعف‌ها و قوت‌ها، مانعی برای پیشرفت و عزم پردیس‌ها در جهت رفع مشکلات خواهد بود.

سناریوی چهارم: علیرغم اینکه برخی از پردیس‌ها دارای ماهیت فنی و مهندسی، علوم پایه و هنر بوده و اجرای کارکردهای آن‌ها مستلزم داشتن آزمایشگاه، کارگاه‌های تخصصی مرکز کامپیوتر و دیگر امکانات تخصصی است. لیکن یافته‌های پژوهش مؤید آن است از یک‌سو فقدان زیرساخت‌های مناسب و استاندارد در این پردیس‌ها و از سوی دیگر دوری و تفکیک مکانی آن‌ها از دانشگاه مادر موجب شده است، با مشکلات بسیار زیادی روبرو بوده و کارکردهای مورد انتظار یک پردیس فنی مهندسی و یا هنر اتفاق نیفتد. لذا چگونه می‌توان انتظار داشت فارغ‌التحصیلان کارآمد و باکیفیتی وارد بازار کار و جامعه شوند؛ بنابراین سناریوی چهارم پیش رو می‌تواند، اختصاص پردیس‌ها به رشته‌های تحصیلی باشد که مستلزم داشتن امکانات تخصصی نیستند و صرفاً دارای کارکرد آموزشی و پژوهشی در حد پایان‌نامه هستند. در چنین صورتی، اگر تصمیم‌گیری مراجع ذی‌ربط منجر به منحل کردن پردیس‌های فنی و مهندسی و حفظ پردیس‌های علوم انسانی باشد، می‌توان گفت هرچند رشته‌های علوم انسانی نیازمند امکاناتی در سطح رشته‌های مهندسی و یا به‌طور کلی رشته‌های عملی نیستند اما اهمیت رشته‌های علوم انسانی نه تنها کمتر نبوده بلکه مستلزم توجه بیشتری است. چنانچه امروزه علیرغم دستیابی به تحقیقات و دستاوردهای علمی و فنی، لیکن برای پیشرفت کافی نبوده و ضرورت توجه به علوم انسانی و اهمیت بعد ذهنی، فکری، روانی و معنوی انسان بیشتر احساس می‌شود. لذا قبل از فراهم نمودن ملزومات ضروری برای پردیس‌های علوم انسانی، اجرای چنین سناریویی می‌تواند به تربیت ابعاد ذهنی، فکری، روانی و معنوی انسان‌های موردنیاز بخش‌های مختلف جامعه آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد نماید.

سناریوی پنجم: با توجه به اینکه از ابتدا هدف‌گذاری پردیس‌ها با هویت «پردیس‌های بین‌الملل» انجام شده بود، لیکن از مسیر و هدف اصلی خود دور شدند و در این راه نیز موفق نبوده‌اند. به نظر می‌رسد بازگشت پردیس‌ها به هویت اصلی خود سناریوی دیگری است که ممکن است پیش رو داشته باشیم. لیکن این بازگشت مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، فراهم نمودن زیرساخت‌های مناسب و کافی جهت اداره پردیس در سطح بین‌الملل است. لذا این دغدغه مطرح است که آیا توان آموزشی، پژوهشی و منابع مادی و فیزیکی و انسانی آموزش عالی پاسخگوی چنین هدفی هست؟ چراکه اگر با تصمیم‌گیری شتابزده و بدون مطالعه پردیس‌های خودگردان آبرو و اعتبار دانشگاه مادر نشانه رفت، با تصمیم‌گیری شتابزده و غیر کارشناسی دیگری تحت عنوان پردیس‌های بین‌الملل، نه تنها آبروی آموزش عالی بلکه در سطح کلان آبروی کشور به خطر خواهد افتاد. لیکن بازگشت پردیس‌ها به هویت بین‌المللی خود، مستلزم دوری از شتابزدگی، بررسی و مطالعه نمونه‌های موفق در دیگر کشورها و فراهم نمودن زیرساخت‌های متناسب و استاندارد این هدف هست.

با توجه به بررسی و یافته‌های پژوهش حاضر در سناریوی ششم نیز، بر اساس آسیب‌شناسی پردیس‌ها به تفکیک و بر اساس میزان آسیب ساختاری، کارکردی و محیطی آن‌ها، لغو مجوز برخی پردیس‌ها و ادامه حیات برخی دیگر رقم خواهد خورد. به عبارتی دیگر، تصمیم‌گیری نسبت به لغو مجوز یا ادامه حیات پردیس‌ها بر اساس نسبت میزان آسیب‌ها به تعداد دانشجو، امکانات آموزشی و پژوهشی و ماهیت رشته‌های تحصیلی صورت گیرد. اجرای این سناریو نیز مستلزم تعریف شاخص‌های کیفی آموزش و پژوهش و ارزیابی پردیس‌ها به‌طور مستمر است و در صورت عدم رعایت شاخص‌ها و ارزیابی پایین بدون مداخلات و هیچ‌گونه انعطافی به لغو مجوز آن بینجامد.

شاید این سؤال در ذهن شکل بگیرد که آیا در خصوصی سازی آموزش عالی فقط پیامدهای منفی وجود داشته است؟ آیا این پیامدها در سایر کشورها هم به چشم می‌خورد؟ در این راستا می‌توان گفت؛ در خصوصی سازی آموزش عالی خارج از کشور هم پژوهش‌های بسیار زیادی انجام گرفته است، و آنان نیز اذعان داشته‌اند که پیامدهای منفی بر خصوصی سازی مترتب است. مانند گسترش مدرک گرایی، افزایش فارغ التحصیلان بیکار، کاهش کیفیت آموزشی و ...

لکن در کنار این پیامدهای منفی مطالعات آلتباخ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که بعضی از کشورها در این راستا بسیار موفق عمل کرده‌اند و تجارب موفق جهانی وجود دارد؛ مانند کشورهای هلند، بلژیک، اسپانیا و آلمان که هر ساله دانشگاه خصوصی آنها در صدر برترین‌ها محسوب می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود همانگونه که بسیار عجولانه و شتابزده خصوصی سازی را از آنها تقلید کردیم، تجارب موفق شان را نیز بر اساس شرایط آموزش عالی کشورمان بومی کرده و به کار گیریم.

بر اساس آنچه گفتیم، از آنجا که پردیس های خودگردان عهده دار رسالت آموزش عالی ما هستند، پس بسیار حائز اهمیت است که نگرش ما نگاهی آسیب شناسانه باشد. نخست بر این باور بودیم که پردیسهای خودگردان به عنوان بازوی حمایتی دانشگاه مادر محسوب می شوند، ولی پس از پژوهش و آسیب شناسی پردیس ها پی بردیم که نه تنها نوش دارو نبودند، بلکه یک دارونمای با عوارض جانبی بودند که حال بیمار (دانشگاه مادر) را وخیم تر از قبل کردند. حقیقت این است که اگر به داد این پردیس ها نرسیم، این درد دانشگاه مادر که کمبود منابع مالی بود، را دو صد چندان خواهد کرد.

برنامه ریزان و مسئولان آموزش عالی مانند طبیبانی هستند که نظام آموزشی را معاینه می کنند تا بتوانند یک تصویر درست از آن ارائه بدهند. امید می رود مسئولین از یافته های این پژوهش و پژوهش هایی از این دست استفاده کنند و یک بازنگری ساختاری و کارکردی روی پردیس ها انجام دهند؛ چرا که پس از شناسایی آسیب ها ادامه راه پردیس ها به هیچ عنوان قابل توجیه نیست و مصداق عینی آن این است که با دست خود تیشه به ریشه آموزش عالی می زنیم..